**گزارش برگزاری محفل یادبود**

**جانباختگان جنبش مائویستی و جنبش دموکراتیک نوین افغانستان**

**در شهر تورنتو در کانادا**

**توسط هواداران حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان**

**محفل یادبود جانباختگان جنبش مائوئیستی و جنبش دموکراتیک نوین افغانستان به روز 21 نوامبر برای اولین بار در شهر تورنتو در کانادا برگزار گردید. محفل از قبل بصورت وسیعی در فیس بوک، لیست خدمات و همچنان از طریق پوستر تبلیغ شده بود. پوستر تبلیغ محفل در نقاط مختلف شهر، در مرکز شهر و چندین دانشگاه تورنتو بصورت وسیع نصب شده بود.**

**در محفل در حدود 40 – 50 نفر شرکت کرده بودند. رفقای حزب کمونیست انقلابی کانادا برای تدویر محفل کمکهای مفیدی به عمل آورده بودند. یک رفیق سخنران اصلی در محفل بود. متن این سخنرانی ذیلاً ارائه می گردد:**

**آنچه در ذیل می خوانید متن سخنرانی اصلی ارائه شده به محفل برگزاری 7 قوس در شهر تورنتو در کانادا است. اصل سخنرانی به انگلیسی است و ترجمۀ آن به دری بصورت آزاد صورت گرفته است.**

**رفقای عزیز!**

**از شما بخاطر برگزاری محفل امشب بی نهایت سپاسگذارم. بعضی از شما رفقا از شهرهای دیگر به اینجا آمده اید و اجرای این کار در این هوای سرد واقعاً نیاز به یک تعهد نیرومند دارد.**

**من از سازماندهندگان این محفل، از پی. آر. ای. سی.، آر. اسو ام.، هواداران حزب کمونیست انقلابی کانادا و و همچنان هواداران حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان بخاطر تدویر محفل کنونی تشکر می کنم. این کار واقعاً در انطباق با روحیۀ انترناسیونالیستی پرولتری صورت گرفته است.**

**یک هفته بعد در 28 نوامبر، روز جانباختن رفیق اکرم یاری موٌسس و و رهبر سیاسی و ایدیولوژیکی جنبش مائوئیستی افغانستان است.**

**تا اکتوبر 2013 ما روز دقیق جانباختن رفیق یاری را نمی دانستیم. در واقع تا آن زمان کسی بصورت دقیق نمی دانست که بعد از دستگیری رفیق در اواخر زمستان سال 1979 توسط رژیم کودتا چه بر وی گذشته است.**

**اما در ماه اکتوبر 2013 سفارت هالند در کابل لیستی را در اختیار کمسیون حقوق بشر افغانستان قرار داد که مشخصات کشته شدگان توسط رژیم حزب دموکراتیک خلق افغانستان در سال های 1778 و 1979 را نشان می داد. این لیست توسط پولیس هالند از یکی از افراد استخبارات رژیم حزب دموکراتیک خلق که از هالند تقاضای پناهندگی کرده بود گرفته شده بود. این لیست فوراً توسط تعداد زیادی از جراید در افغانستان منتشر گردید. نام اکرم یاری نیز در این لیست بود. اما ندرتاً و برخلاف اکثریت قریب به اتفاق سایر جانباختگان نام اکرم یاری فقط بصورت ذیل و بدون ذکر اتهام سیاسی وارده بر وی مشخص گردیده و در لیست گنجانده شده بود:**

**« 4383 – اکرم یاری- ولد عبدالله – جاغوری – معلم»**

**بدین ترتیب پس از انتشار لیست متذکره مشخص گردید که رفیق در 7 قوس سال 1358 جان باخته است. لیست منتشر شدۀ پارسال مجموعاً در حدود 4500 را در بر می گرفت. در این لیست نام های بیشتر از 300 نفر شعله یی و مائوئیست شامل بود. ممکن است تعداد زیاد دیگری از شعله یی ها و مائوئیست ها نیر بدون اینکه اتهام سیاسی وارده بر آنها مشخص شده باشد و یا با اتهامات دروغین دیگری کشته شده باشند.**

**درینجا باید بگویم که چون نام جریدۀ جریان دموکراتیک نوین ( جریان تحت رهبری مائوئیست ها) شعلۀ جاوید بود، این جریان به جریان شعلۀ جاوید و منسوبین آن به شعله یی معروف شدند.**

**وقتی این لیست منتشر گردید، یک تحول سیاسی بزرگ در افغانستان به وجود آمد. رژیم دست نشاندۀ حامد کرزی دو روز را به عنوان روزهای ماتم ملی در کشور اعلام نمود. احزاب اسلامی در سراسر کشور محافل فاتحه خوانی و قرآن خوانی برگزار کردند و مائوئیست ها هم به طریقۀ خودشان اقدام کردند. باید خاطر نشان سازم که درینمورد چپ نمهای افغانستان به دو بخش تسلیم طلب و انترناسیونالیست انقلابی تقسیم شدند. چپ تسلیم طلب طبق وضعیت خودشان دست به اقدام زدند و محافل شمع افروزان و تظاهرات خیابانی برگزار کردند و از رژیم دست نشانده طالب عدالتخواهی شدند و تقاضا کردند که باید مجرمین تحت محاکمه قرار گرفته و مجازات شوند. همچنان آنها از سازمان ملل متحد و "جامعۀ جهانی" تقاضا کردند که درینمورد کاری انجام دهند. در چنین وضعیتی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان فراخوانی در ماه نوامبر سال گذشته به نشر رساند و در آن فراخوان از منسوبین جنبش مائوئیستی و جنبش دموکراتیک نوین افغانستان دعوت به عمل آورد که:**

**« روز جانباختن رفیق اکرم یاری را به عنوان روز یادبود تمامی جانباختگان شعله یی و مائوئیست بپذیرند و همه ساله آن را تجلیل می نمایند.»**

**در نتیجه 5 محفل در سال گذشته گرفته شد: چهار محفل در داخل افغانستان و از طرف "کمیتۀ برگزاری 7 قوس" و یک محفل از طرف هواداران حزب در اروپا. من تا حال دقیقاً نمی دانم که امسال چه تعداد محافل در این روز در داخل کشور و همچنان در خارج از کشور برگزار خواهد شد.**

**در فراخوان سال گذشته گفته شده بود که:**

**« ما یاد جانباختگان مان را گرامی می داریم اما هرگز فراموش نمی کنیم که آنها بخاطر مبارزه در راه انقلاب دموکراتیک نوین، انقلاب سوسیالیستی و کمونیزم جان باخته اند. لذا ما از رژیم دست نشانده و اشغالگران امپریالیست عدالتخواهی نمی کنیم. ما نباید فراموش کنیم که رفقای ما در مبارزه علیه اشغالگران سوسیال امپریالیست و رژیم رویزیونیست مزدور آنان جان باختند. پس ما نباید از اشغالگران کنونی و دست نشاندگان شان بخواهیم قاتلان آنها را محاکمه و مجازات نمایند... .»**

**باید توضیح دهم که جنبش دموکراتیک نوین افغانستان بزرگترین جنبش توده یی در تاریخ این کشور ازسال 1839 – که نام آن افغانستان گذاشته شد- تا حال بوده است. در اول می سال 1969 ( 1348) جنبش دموکراتیک نوین افغانستان 150 هزار نفر را به جاده ها آورد. این تظاهرات وسیع تا امروز وسیع ترین تظاهرات توده یی در تاریخ افغانستان بوده است و تا حال دوباره تکرار نشده است. توجه داشته باشید که این تظاهرات وسیع در افغانستان نیمه فیودالی و عقب مانده و دارای یک پایتخت کوچک و چند شهر کوچک تر از آن صورت گرفته است.**

**در لیست منتشر شدۀ پارسال صرفاً 300 نفر شعله یی ومائوئیست مشخص شده اند. اما تعداد مجوعی تلفات شعله یی ها و مائوئیست ها خیلی خیلی بیشتر است و به ده ها هزار نفر می رسد. البته بنیادگرایان اسلامی نیز به نوبۀ خود به قتل عام شعله یی ها و مائوئیست ها دست زده اند. مثلاً نیروهای مربوط به احمدشاه مسعود در یک روز در حدور 40 نفر شعله یی را از طریق انداختن در دریا و غرق کردن در آب دریا از بین بردند. همچنان تعداد زیادی از شعله یی ها و مائوئیست ها در کمپ های مهاجرین در پاکستان و همچنان شهرهای پشاور و کویتۀ پاکستان مورد سوء قصد قرار گرفتند. با وجود تمامی این ضربات جنبش دموکراتیک نوین و جنبش مائوئیستی افغانستان هنوز زنده است و بزرگترین نیروی سیکولار مقاومت کننده علیه اشغالگران امپریالیست و رژیم پوشالی محسوب می گردد.**

**یک چیز قابل توجه در لیست پارسال این بود که همۀ جانباختگان، به شمول جانباختگان جنبش دموکراتیک نوین و جنبش مائوئیستی، مرد بوده اند. به عبارت دیگر جنبش دموکراتیک نوین و جنبش مائوئیستی در افغانستان یک جنبش مردانه بوده است و زنان در آن جنبش ها نقش چندانی نداشته اند. واضح تر گفته باشم بر جنبش دموکراتیک نوین و جنبش مائوئیستی افغانستان مرد سالاری حاکم بوده است. البته این کمبود یک کمبود بسیار جدی بوده است اما یک امر قابل تعجب نبوده است. جنبش در سال های دهۀ شصت و آنهم در یک جامعۀ نیمه فیودالی پدر سالار به وجود آمد و برای انقلابیون زن مشکل بوده است که وسیعاً به جنبش بپیوندند. البته زنانی در جنبش بوده اند و جنبش کلاً از زنان خالی نبوده است. اما این زنان در جنبشی که قویاً تحت سلطۀ مردان بوده عمل می کرده اند. به این ترتیب ما در مورد این مسئله گذشته را انتقاد می کنیم و نه تنها انتقاد می کنیم بلکه می گوییم که اگر افغانستان انقلاب دموکراتیک نوین و انقلاب سوسیالیستی می خواهد، ممکن نیست بدون شرکت و حضور فعال زنان در این جنبش به اهداف مذکور دست یافت. بنابرین درسی را که ما از این موضوع می آموزیم این است که جنبش ما در مورد زنان قویاً از پدر سالاری حاکم بر جامعه متاثر بوده است.**

**جنبش دموکراتیک نوین و جنبش مائوئیستی در سال 1978 و1979 و سال های بعدی قویاً ضربه خورد، رهبران و کادرهای بسیار مهم جنبش جان باختند و هزاران نفر از منسوبین جنبش شامل نویسندگان، معلمین، پروفیسورهای دانشگاه ها، محصلین، متعلمین و سازماندهندگان توده یی و دارای سال ها تجارب مبارزاتی از میان رفتند. با وجود آنکه جنبش به سازمان های مختلف تقسیم گردیده بود، تمام آنها علیه اشغالگران سوسیال امپریالیست و رژیم مزدور شان مبارزه و مقاومت را پیش بردند. مبارزه و مقاومت جنبش مائوئیستی و جنبش دموکراتیک نوین علیه اشغالگران سوسیال امپریالیست و مزدوران رویزیونیست آنها یک مبارزه و مقاومت دراماتیک بود. اما این جنبش از مشکلات عدیده ای رنج می برد.**

**در آن موقع چین به دست رویزیونیست ها افتاده بود و جنبش کمونیستی بین المللی بصورت جدی تضعیف شده بود، جنبش مائوئیستی افغانستان قتل عام شده بود و امپریالیزم امریکا و متحدان امپریالیستی و ارتجاعی اش بنیادگرایان اسلامی را قویاً حمایت می کردند و برعلاوه رژیم حزب دموکراتیک خلق نیز ادعای کمونیست بودن داشت. بنابرین ما در یک وضعیت بسیار بسیار مشکل قرار داشتیم. در چنین وضعیتی مائوئیست ها و شعله یی هایی که مبارزه و مقاومت می کردند دچار اشتباهات و انحرافات مهمی شدند. بعضی از آنها گرایشات اسلامی پیدا کردند. بعضی از آنها انقلاب در افغانستان را سه مرحله یی ساختند: مرحلۀ اول انقلاب اسلامی، پس از آن انقلاب دموکراتیک نوین و سپس انقلاب سوسیالیستی. بنابرین در مورد انقلاب مشکلات تیوریک زیادی به وجود آمد و سلطۀ این اشتباهات و انحرافات چندین سال دوام نمود تا اینکه در اواسط دهۀ شصت خورشیدی (اواسط دهۀ هشتاد میلادی) از درون سازمان های مختلف حرکتی به وجود آمد که آن را جنبش نوین کمونیستی می خوانیم.**

**انحرافات و اشتباهات در سازمان های مختلف در یک سطح نبود بلکه درجات مختلف داشت. بعضی از سازمان ها، مثلاً سازمان رهایی افغانستان، که ما به عنوان یک سازمان رویزیونیست می شناسیم، تیوری سه جهان را حمایت کرد و در نتیجه کاملاً به گودال انحراف رویزیونیستی سقوط نمود. این سازمان در سال های 90 خواست برگشت ظاهرشاه را مطرح نمود. همچنان در شرایط فعلی از اشغالگران امریکایی طرفداری نمود. نیروهایی ازین قبیل هم اکنون جناح چپ رژیم دست نشانده محسوب می گردند. من فعلاً ترجیح می دهم که در مورد انحرافات در سایر بخش های جنبش صحبت نکنم.**

**یک حرکت بر آمده از درون "ساما" هستۀ انقلابی کمونیست های افغانستان بود. همچنان گروپ های دیگر مثل کمیتۀ تبلیغ و ترویج، سازمان پیکار برای نجات افغانستان و املا – بخش مائوتسه دون اندیشه علیه انحرافات موضعگیری کردند. این جنبش از آن زمان تا حال پیوسته رشد کرده و بخش های مختلف آن بطرف وحدت پیش رفته اند که در نتیجه حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان تشکیل گردیده است. البته هنوز بخش هایی با پذیرش خط مارکسیزم- لنینیزم- مائوئیزم همچنان تجارب خودشان را دارند و تامین وحدت با آنها کماکان به عنوان یک وظیفه و مسئولیت جنبشی در پیش پای حزب قرار دارد.**

**در مورد تشکیل حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان باید بگویم که: وقتی در سال 2001 امریکا افغانستان را اشغال کرد، حزب کمونیست وقت یکجا با سازمان پیکار برای نجات افغانستان پروسۀ وحدت در میان شان را آغاز کردند و سایر مائوئیست ها را نیز فراخواندند که به این پروسه بپیوندند تا همه با هم از طریق تامین وحدت در میان شان یک بدیل کمونیستی قوی در مقابل اشغالگران و رژیم به وجود بیاورند. در نتیجه یک جنبش وحدت طلبانه میان مائوئست ها شروع شد. این پروسه تقریباً دوونیم سال را در بر گرفت و سرانجام سه تشکیل مائوئیستی یعنی حزب کمونیست افغانستان، سازمان پیکار برای نجات افغانستان و اتحاد انقلابی کارگران افغانستان با هم به وحدت رسیدند و حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان تشکیل گردید.**

**در طی این سال ها طالبان خود را سازماندهی مجدد کردند و در طی سالیان گذشته مقاومت مسلحانه علیه اشغالگران را تحت سلطه گرفتند. اما مائوئیست ها هنوز نتوانسته اند جنگ خودشان علیه اشغالگران را داشته باشند. ولی این وضعیت بدین معنا نیست که مائوئیست ها در مقاومت علیه اشغالگران و رژیم اصلاً سهنی ندارند و بکلی از میدان خارج هستند. سازمان های توده یی ای تحت رهبری حزب وجود دارند که در مقاومت علیه اشغالگران و رژیم فعال هستند. اما در هر حال وضعیت بسیار پیچیده ای در مقابل مائوئیست ها از لحاظ دست یازی به جنگ مقاومت خودشان علیه اشغالگران وجود دارد.**

**یک موضوع این است که در سال 2004 وقتی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان تشکیل گردید، طالبان جنگ خودشان را در سطوح اولیه شروع کرده بودند. آنها قادر بودند از لحاظ تیوریک مقاومت مسلحانۀ شان علیه اشغالگران و رژیم پوشالی را در سطح جامعه وسیعاً مطرح نمایند. یک عامل این بود که طالبان و القاعده اولین هدف اشغالگران بوده است. آنها تا آن زمان در قدرت بودند. وقتی آنها قدرت مرکزی را از دست دادند، کاملاً از افغانستان تصفیه نشدند. آنها تشکیلات و تسلیحات شان را علیرغم ضربات جدی تا حدی حفظ کردند و سپس مجدداً سازماندهی شده و مقاومت اسلامی شان را شروع کردند که تا حال همچنان ادامه دارد.**

**افغانستان یک کشور کثیرالملیتی است. کلانترین و وسیع ترین آنها، در مقایسه با هر ملیت دیگری، پشتون ها هستند. طالبان عمدتاً در میان پشتون ها سازماندهی شده اند. بنابرین طالبان از این جهت محدودیت دارند و نه تنها محدودیت دارند بلکه خودشان نیز قویاً شوونیست هستند. همچنان طالبان از شوونیزم بسیار غلیظ مردسالار در کشور نمایندگی می کنند. اشغالگران و رژیم پوشالی می توانند از این وضعیت استفاده کنند و تسلیم طلبی در میان زنان را به نفع خودشان دامن بزنند. همچنان تسلیم طلبی در میان ملیت های تحت ستم را دامن می زنند. با توجه به این مسایل دیده می شود که کمونیست ها مشکلات زیادی دارند.**

**اگر ما گذشتۀ تاریخی و وضعیت فعلی کشور را مرور کنیم می بینیم که افغانستان در طول تاریخ 175 سالۀ خود از سال 1839 که افغانستان نامیده شد تا حال مدت 103 سال حیات خود را در حالت مستعمراتی بسر برده و صرفاً 72 سال دیگر را در حالت نیمه مستعمراتی سپری کرده است. افغانستان مدت 80 سال مستعمرۀ انگلیس بود. از سال 1919 تا سال 1979 در طی مدت شصت (60) سال در حالت نیمه فیودالی- نیمه مستعمراتی بسر برد. پس از سال 1979 تا سال 1989 برای مدت تقریباً ده (10) سال دیگر تحت اشغال سوسیال امپریالیست ها قرار داشت. از سال 1989 تا اواخر سال 2001 در طی مدت بیشتر از ده (10) سال به حالت نیمه فیودالی- نیمه مستعمراتی بسر برد. و اینک مدت سیزده (13) می شود که یکبار دیگر حالت مستعمراتی- نیمه فیودالی پیدا نموده و این بار تحت اشغال امپریالیست های امریکایی و متحدین شان قرار دارد. بنابرین افغانستان در 60 فیصد از تاریخ خود حالت مستعمراتی داشته و صرفاً در 40 فیصد دیگر از تاریخ خود به حالت نیمه مسعمراتی بسر برده است. این وضعیت پیوسته به برآمد ها و مقاومت های اسلامی در کشور زمینه داده و در عین حال در دهه های اخیر زمینه های استفاده توسط قدرت های امپریالیستی مختلف را مساعد ساخته ست.**

**13 سال قبل اشغالگران رژیم دست نشانده ای را رویکار آوردند که فاسد ترین رژیم دنیا و فاسد ترین رژیم در تاریخ افغانستان است. این رژیم در طی 13 سال گذشته واقعاً افغانستان را تاراج کرده است. این رژیم مرکب از جهادی های سابق، عناصر شاهی سابقه، بروکرات های رژیم های قبلی و غیره هستند. آنها میلیاردها دالر مالکیت های دولتی و مالکیت های خصوصی افراد را چور و چپاول کرده اند و کشور و مردمان کشور را واقعاً بخاک سیاه نشانده اند.**

**در نتیجه یک اقلیت کوچک ثروتنمد به وجود آمده است که از فقر و تهی دستی اکثریت عظیم و زندگی ثروتمندانۀ خودشان لذت می برند. به عبارت دیگر یک شگاف عمیق میان فقر و ثروت در جامعه به وجود آمده است.**

**بنابرین رژیم پوشالی ای را که اشغالگران به وجود آورده اند یک رژیم فیودال- بورژواکمپرادور است که کشور را تاراج می نماید و ددمنشانه به این غارتگری ادامه می دهد. شاید به همین جهت باشد که اشغالگران تشکیل این رژیم را موفقانه ترین کار شان در افغانستان قلمداد می نمایند!؟ آنها افتخار می کنند که دموکراسی را در افغانستان برقرار کرده اند، در حالی که این دموکراسی صرفاً یک مضحکه است. البته رژیم پوشالی انتخابات برگزار می نماید. اما این انتخابات در افغانستان دارای 35 میلیون نفوس صرفاً 3.5 نفر رای دهنده داشته و به گفتۀ خودشان 2 میلیون رای تقلبی در آن وجود داشته است. به همین جهت برندۀ انتخابات اصلاً روشن شده نتوانست و امریکایی ها ناچار شدند مداخله کنند و هر دو کاندید را برنده اعلام کنند تا جناح اتحاد شمال و جناح غنی با هم یکجا افغانستان را غارت نمایند.**

**مجموعۀ این اوضاع نشاندهندۀ وضعیت اقتصادی و وضعیت سیاسی افغانستان است.**

**حال به وضعیت زنان توجه کنیم. اشغالگران وقتی افغانستان را اشغال کردند ادعا نمودند آنها زنان افغانستان را آزاد کرده اند. آنها پیوسته از ماموریت فیمینیستی شان در افغانستان داد سخن می دهند. اما در افغانستان نه تنها ستم شوونیستی مردسالار فیودالی بر زنان ادامه یافته است بلکه ستم بر زنان اشکال جدیدی نیز بخود گرفته است. مثلاً اشکال جدید تجاوزات و تهدیدات علیه زنان گسترش یافته است. به این ترتیب شعار آزادی زنان توسط اشغالگران غربی در واقع فرهنگ تجاوز بر زنان را قانونی وعام ساخته است. در متن این وضعیت ستم مردسالارانۀ فیودالی بر زنان بیشتر و بیشتر اشکال خشن بخود گرفته است. مثلاً تقریباً یک هفته قبل یک دختر 3 ساله مورد تجاوز قرار گرفت. بطور کل قضایای تجاوز بر نوجوانان و حتی اطفال خورد سال اعم از دختر و پسر به قضایای روزانه مبدل شده است. ناگفته روشن است که درین شرایط یک اقلیت کوچک از زنان مرتبط به اشغالگران و رژیم پوشالی وجود دارند که از این وضعیت نفع می برند.**

**در مورد فساد در افغانستان باید بگویم که نه تنها رژیم پوشالی عمیقاً و وسیعاً در این فساد دخیل است بلکه خود اشغالگران نیز وسیعاً و عمیقاً در آن شامل هستند. آنها از راه های گوناگون به چور و چپاول مصروف هستند. آنها از طریق انجوها و شرکت های مختلف این چور و چپاول را پیش می برند. بیشتز از 2800 انجو در افغانستان فعالیت دارد. این انجوها، پروژه ها، ورکشاپ ها و برنامه های آموزشی مختلفی را پیش می برند، میلیون ها دالر را در تزئین و کرایه سرسام آور دفاتر شان به مصرف می رسانند و میلیون ها دالر دیگر را یکجا با دونرهای شان حیف و میل می کنند. به این ترتیب فساد نه تنها در میان افغانستای های مربوط به رژیم و انجوها و شرکت های داخلی بیداد می کند بلکه اشغالگران غربی نیز وسیعاً از آن نفع می برند و در واقع منافع اصلی را همانها به جیب می زنند.**

**جمعبندی کنیم:**

**امریکا ومتحدین شان ادعا دارند که بعد از سال 2014 مسئولیت های جنگی شان در افغانستان خاتمه می یابد. اگر اینگونه باشد اشغالگری بر افغانستان پایان می یابد. اما این یک دورغ است. آنها قرارداد امنیتی ای را با رژیم پوشالی امضا کرده اند که اجازه می دهد پایگاه های امریکایی در چندین نقطۀ افغانستان تا سال 2024 همچنان برقرار باقی بماند و بعد از سال 2024 نیز راه برای مذاکره بخاطر ادامۀ موجودیت این پایگاه ها تا سال 2034 باز خواهد بود. بنابرین دهه های متعدد اشغالگری در راه خواهد بود.**

**وضعیت از جانب اشغالگران و رژیم پوشالی اینگونه است. اما در مورد مقاومت ارتجاعی اسلامی باید بگوییم که علایم بسیاری نشان می دهد که مقاومت اسلامی در حال از دست دادن نیروی حرکی خود است. آنها نشان داده اند که قادر به شکست اشغالگران و رژیم و تصرف قدرت سرتاسری نیستند. آنها دیگر مثل زمان امارت اسلامی حمایت های وسیع رسمی امریکا، انگلیس، عربستان سعودی، کشورهای خلیج و پاکستان را با خود ندارند. بنابرین آنها مجراهایی را برای مذاکره و سازش باز گذاشته اند. یکی از جناح های مقاومت ارتجاعی اسلامی یعنی گلبدین حکمتیار آمادگی نشان داده است که با رئیس جمهور جدید رژیم مذاکره نماید. بنابرین راه سازش باز شده و بخشی از این مقاومت، مذاکره برای پیوستن به رژیم را آغاز کرده است و احتمال دارد که دیگران نیز به تدریج برای پیشبرد چنین کاری آماده می شوند.**

**حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان و کل جنبش مائوئیستی کشور در حال رشد هستند. حزب چندی قبل کنگره اش را موفقانه دایر نمود. ما راه مبارزه را بطور کل و راه مبارزه و مقاومت علیه اشغالگران و دست نشاندگان شان را بطور خاص طولانی می بینیم. جمعبندی کنگرۀ حزب درینمورد بصورت مفصل به زودی ارائه خواهد شد.**

**ما فکر می کنیم که مبارزه در افغانستان بخشی از مبارزه بین المللی کمونیست های جهان است. بنابرین می خواهم بگویم که در آینده مبارزات سختی در افغانستان در مقابل ما خواهد بود.**

**تشکر!**